قرن بیستویکم، قرن ترکیب

(32:36)

شاگرد۲: توضیح همه این مطالبی که فرمودید می‌توان این باشد : اوّل اینکه پایه را تکوین قرار بدهیم؛ پایه حلول ماه قمری. دوم: میزان را شب بگیریم. سوم: تا جایی که بتوانیم از تکوین دست برنداریم مگر در ضرورت. چهارم: در موارد ضرورت سراغ زوال هر بلد برویم. پنجم: اگر اینجا استه‌جان پیدا کرد به یک بیانی سراغ زوال واحد برویم. همه اینها در یک گزینه جمع باشد.

استاد: احسنت. ببینید الآن به‌خصوص در شروع قرن بیستویکم به این صورت شده؛ هر قرنی نه‌ضت یک چیزی است. من در جایی تصریح ندیده ام. اما در ذهن قاصر من این است که اگر بخواهیم قرن بیستویکم را نام گذاری کنیم قرن ترکیب است. یعنی قرن بیستم بحث‌ها را کرده‌اند، به‌خصوص در این علوم هوش مصنوعی و کامپیوترها، ولی قرن بیستویکم قرن تلفیقات است. یعنی عده‌ای با زور یک چیزی را برده‌اند و می‌خواستند سر برسانند. ناظرین دیدند هر دوی آن‌ها درست است؛ از هر دوی آن‌ها کار می‌آید لذا آن دو را با هم تلفیق کردند. در هوش مصنوعی هم عرض کردم. مثلاً به‌دنبال شبکه عصبی برویم یا نه؟ الآن نسل جدید به‌صورت تلفیقی است. می‌گویند چرا مدام بگوییم این یا آن؟! از هر دو کمک می‌گیریم و فوائد هر کدام را سر جایش در نظر می‌گیریم و با هم پیچ و مهره می‌کنیم. اتفاقا این بحث‌هایی که گفتم برای فرمایش شما در آینده نافع است. یعنی قرار نیست آیندگان از ارتکازات خود از ادله شرعیه دست بردارند. از چیزهایی که ما فراهم می‌کنیم و در نظر آن‌ها می‌آید این است که ارتکاز جامعی که دارند تلطیف می‌شود و قوی می‌شود و همین کار شما را انجام می‌دهند. یعنی بین چندین وجه به نحو بسیار همانگ یک خروجی ترکیبی می‌گیرند. ترکیبی ای که از همه اینها کمک گرفته است.

شاگرد۲: کار من نیست کار شما بوده و من آن‌ها را نوشته ام.

استاد: اتفاقا آقا که فرمایششان را در جلسات گذشته خواندم، در جلسه قبل به من نوشته ای دادند و فرمایششان این بود قبلاً من نصف الناهار معین را در کرده بودم، الآن آن را می‌خواهم تأیید کنم. این به همین معنا است. به تعبیر شوخی وقتی می‌خواهید یک وجه علمی را نقد کنید باید بی رحم باشید. از بی رحمی هایی که خوب است همینجا است. در نقد علمی نباید بگویند این وجه علمی را رها کنید، بیچاره چه تقصیری کرده؟! بلکه در مقام نقد یک وجه علمی باید بی رحمی کنند. در مقام توجیه هم باید تا ممکن است آن را توجیه کنند تا تصورش و موید‌اتش تام بشود. بعد از اینکه از ناحیه تصور خودش و تقریرش، و از ناحیه مویّداتش هر چه محتمل بود که به این مربوط باشد را جمع کردیم، حال مرحله سوم است؛ یعنی ببینیم می‌توانیم بین همه اینها دلیلی پیدا کنیم که به شارع هم نسبت بدهیم. این هم مرحله سوم است که اگر حالت انحصاری نگرفت، تام است. اما اگر حالت انحصاری هم گرفت مختار در بحث می‌شود.

شاگرد: در فضای ثبوت و تقنینش سه مؤلفه اصلی در کلامتان بود؛ یکی تکوین را در نظر بگیریم، یکی ارتکاز و یکی روابط اجتماعی؟

استاد: ایرادی ندارد. ان شاء الله باز هم جمع‌بندی کنیم و ببینیم اینطور هست یا نه.

علی ای حال این‌ها مطالب مهمی است که نباید مخلوط بشود. از درس حاج آقا یادم هست. حاج آقا یک کلمه گفتند، یکی از آقایان نزدیک من نشسته بود، گفت آقا دارند فتوایشان را می‌گویند. و حال آنکه هنوز خیلی مانده بود تا حاج آقا فتوا بگویند. یک دفعه می‌بینید چندین روز یک بحثی را تقریر می‌کنند، به‌طوری‌که آدم می‌گوید تمام شد. اما فردایش می‌آیند و شروع به در کردن می‌کنند. ظاهراً در بحث اصول بود؛ ایشان نشستند و فرمودند: آن آقا گفته بود «انا فی کل یوم رجل»! می‌خواستند در کنند! چند روز یک بحثی را تأیید کرده بودند و بعد می‌خواستند برگردند. فرمودند «انا فی کل یوم رجل». یعنی وقتی می‌خواهیم تقریر کنیم سنگ تمام بگذاریم، اما وقتی هم می‌خواهیم نقد کنیم در نقدش هم [سنگ تمام بگذاریم]. انصاف در بحث حرف اول را می‌زند. اما رحم کردن به یک نظریه علمی که مناسب نیست. اینجا که جای رحم نیست. لذا ترکیبی که آقا فرمودند نکته ی مهمی است. به گمانم بتوانیم قرن بیستویکم را قرن ترکیب بگذاریم. من برخورد کرده بودم و برایم جالب بود. مدام زحمتهای کسانی که چهل-پنجاه سال با هم دعوا کرده بودند را ترکیب می‌کردند؛ نسل بعدی به جای دعوا بین اینها ترکیب می‌کنند. یعنی جهات حسن هر کدام از اینها معلوم شده، شکافها و نقائص آن هم واضح شده، لذا جهات حسن هر دو را تلفیق می‌کنند. تلفیق در این زمان در رشته‌های مختلف خیلی مهم شده است.

شاگرد: چراهای ندارم که ترکیب کنم. مطالبی که در جلسات مختلف جدا جدا فرموده‌اید، یک جاهایی چراهای غیر از تلفیق ندارم. یک گزینه ثبوتی را می‌گیریم و جلو می‌رویم، ولی یک جایی به استه‌جان می‌رسیم. نه می‌توانیم تکوینی را بگیریم و نه این گزینه را. بلکه چراهای ندارم سراغ گزینه بعدی برویم. یک جاهایی به این صورت می‌شود.

استاد: خب صحبت سر این است که این را چطور حل می‌کنید؟ ترکیب و تلفیق بین حق و باطل؟!

شاگرد: هر کدام در رتبه خودشان حق هستند.

استاد: بله، ترکیب و تلفیق معنایش این نیست که یکی باطل و دیگری حق بود، اما چون ما نتوانستیم کاری کنیم ترکیب می‌کنیم. اصلاً منظور این نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 19 ژانویه 2026 14:05:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 14:09:25 توسط ... .